مقاله پژوهشی
چکیده

پیام از موضوعات پرشکی که به لحاظ جوایز با عدم جوایز در کنار کتاب علوم اسلامی که به تاریخ طرح و تعلیم علم و فیلسوفی، از جمله علوم پرشکی، واجب کلیه است، امروزه، مسألهی تشخیص میت هم از مقدمات علم طب محصول ملی که آن هم از نظر اسلام، فرد مسلمانی که فوت نموده مانند فرد زنده قابل احترام بوده و بی احترام به او و هنک حرمت او حرام و منفوع است. حالا، این سوال وجود دارد که آیا می‌توان به پیشترهای پرشکی و رشد و گسترش علوم مربوط به آن در جامعه اسلامی پیشنهاد کرد و هم احترام مؤمنرا نگاه داشته و دچار هنک حرمت مسلمان نشده؟ در این مقاله، ضمن اینکه حکم تشخیص و برخی از فروع این مسأله به شکل استنباطی پیان کردیده است، به سؤال فوق نیز پاسخ مستند داده و تعارض ظاهری برطرف گردیده است.

و ارگان کلیدی: تشخیص، مصله کردن، تراحم، دم، هنک حرمت

دانشیار کروه فقه و حقوق دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

* نشانی: تهران، فلکه دوم صادقه، ابتدا بلوار فردوس، خیابان تیپ صمصام، نبش خیابان اعتقادیان، پلاک ۶۶، طبقه سوم، تلفن:۷۹۷۸۴۴۴۷۰۴۴۰۰۰۵-۰۹

Email: admin@dr-lotfi.com ۰۹۱۲۲۸۴۷۲-۰۹
مقدمه
تشریح به معنی جدا کردن عضوی از جامعه یا اجتماع بدن افراد می‌باشد که شکاف‌های جسمی و روانی بین افراد وجود دارد. این مفهوم به سختی و اپتیژی به سبب وجود درمان بیماری‌ها و تحقیقات پزشکی کشف گرایی، تشخیص علل بیماری‌های ناشتاخته و دستیابی به خدمات بهداشتی و درمانی درمان بیماری‌های قلبی از سوی امیری طولانی برخورد است. لیکن به لحاظ فقه، سه‌تایی به مسایل جدید و مستندات به حساب می‌آید. لذا در روابط و مسایل فقهی گذشته با عنوان کالبد‌شکافکی یا تشریح می‌توانند نقطه دکتر نشده است.

ساخته تشریح در فقه
در خصوص تشریح و معناها بیان شکاف‌های عضوی درونی و بیرونی استخوانها و پوست و عضوی که اصطلاحی‌های ذکر و در تشریح می‌باشد روابط نسبتاً فراوانی از پیش‌ویژه‌ای معمول (ع) وارد شده است. از جمله روحانی علماً مجسی در بحارالنور در جنگ همین خصوص روابط زیادی ثقل کرده است (۱). یک‌چنین فقهی متقی در مساله قطع عضوی و میت و وجوه پرداخت دینی نسبت به آن به پیروی از روابط مطابقی ذکر شده‌اند که در دیل به جنده مرد از فنون علمی قرن گذشته اشاره می‌کنیم.

سید مرتضی علم‌الهدی (متوفای ۴۳۶ه) می‌نویسد: هر کس بر ماهی (مسلمان) را از بدن یا جناد باید صدیبدار دینی بیت المال بی‌ارد ولی فقهی سایر مذاهب با این فنون مخالفت کردند (۲).

شیخ طوسی (متوفای ۴۶۸ه) می‌نویسد: هر گاه کسی می‌تواند یا عضوی از بدن او را قطع کند که اگر زنه‌برد بود یکی کامل داشته (زرنده دینی) باید صدیبدار معلول کرد و در این موارد به هر آسیبی که می‌تواند برسانند که نسبت به زنده‌ها بهتر و ارزش معمی دارد باید ضرر به مرد؛ هیچ‌که از فقه‌ای مذاهب اهل سنت با این فنون موافق نبوده و چیزی را واجب نکرده‌اند. از نظر
علاوه بر این بحث‌ها، در حال حاضر هم مسلمانان زندگی می‌کنند. از این‌رو، از امام صادق (ع) درباره کسی که سر مردم را قطع کرد، ورتاند: «برادرت دیه بر اور انجام بده، زیرا مردم همانند زندگی احترام دارند» (۱۰). مطابق روابط بیشتر بین مجموع (ع) احترام به این انسان در زمان حیات او وجود دارد پس از مرگ وی نیز برقرار است. همچنان که قطع عضو، نسبت به ساختن یک و تجاوز به او هنگام حرمت او مرمت می‌شود، و موضع جدیدی نیز در روابط بین سر زندگی این موضع می‌گذارد. در روابط نیز از قول امام جعفر صادق (ع) آمده است که: «خداوند سر مردم از بیشتر سر زندگی بتنمیست» (۱۱). به موجب این که روابط قطع یک عضو از اعضای مسلمانان حرمت است تا چه رسد به اینکه در قطعه قطعه کند او کانال شکافی تماشتی از این جهت فحق حکم به حرمت تشریح جسد می‌دانند.

ولیکن از دلیل فوق پاسخ می‌دهیم: همان طور که از روایات این باب و فتاوی فعلا مشخص می‌باشد، مطلق تشریح جسد مبتلا به حرمت نیست، زیرا در آن صورت می‌یادیس یعکس یک تشریح جسد حریم و ممنوع باشد. چون سلسله و چه جسد کافیک: بلافاصله موضع حکم حرمت تشریح جسد مسلمان است اگر آن‌ها از این جهت که موجب هنگمردان مسلمان گردید، به این بحث‌ها از این بحث حرمت او شود.

۳۲- تشریح میت مسلمان است. بعضی از افکار، می‌نویند که در مورد وی را در هنگام زندگی می‌涛یشدند و از این جهت نیز قائل به حرمت عامل توانسته‌اند. اما در مورد مسلمانان بر نهایی از مهله کردن صراحی دارد و نه هم بر تحريم دلتنک. از جمله در وضیع این امر تمام جسمانی (ع) از فرزندش امام حسن مجتبی (ع) به هنگام که این مسلمان ملزم به رعایت ضریب زد آمده است: «گر گر از این ضریب مرموم، او در...
آزمایش‌های حکم تشریحی از دیدگاه فقه اسلامی

22

مقابلای این ضریب یک ضریب زیدی و کلیه‌ترین نظر از رسول خدا (ص) شخصیت که فرمودند: «بهره‌برداری از ملة کردن هر جند سک هار باند» (121).

امام صادق (ع) نیز فرموده‌اند: «هی گاه رسول خدا (ص) خواسته از جنگ‌ها به دسته‌بندی می‌فرمود: با تمام و بازی خدا و در راه او و بر تشییع پیام خدا در این طغیان تکنیک، از ملة کردن بهره‌برداری، باید به کار نبردیم.» (121) از این نمونه روایات به‌روشی مثله ملة کردن کافر نیز استفاده می‌کردند تا به‌طور مستقیم از سید مشروطیت مطلق و همسایگانش در بخش ملة مثله کردن قرار گرفتند.»

اما این دلایل نسبت به استحباب تجزیه ملت در سلسله‌های سیاسی و ملی، غیر مطابق است. در صورتی که این تجزیه حاصل داشته که ملت در این سلسله‌های سیاسی و ملی به‌طور معنی‌داری به منظور مقابله نیز از مثله کردن، فقیه عربی مرتضی، مجاهد در آزار رساندند که آنان می‌بایست تا موجب عیرت گرتن دریگان گردد (12). این شکافی جدید مرتضی که ایجاد می‌کند نشانه‌ای از تغییر ملتی است. انتظار آنان باز رسیدن به اهداف عقلایی و شریع مانند آنچه در تشریح پرشکی جواز دارد و موضوع مثله کردن خارج است، بازاریان و تشریح این مطلب باید مقصد پرشکی، کشف جرم و نمی‌تواند مثله کردن باشد حتی حکم به حرف آن داده شود.

3- کلید شکافی مرده و تشریح جسد یا موجب تأخیر در دفن مبت می‌شود، در حالی که این مفت واجب است و تأخیر در این زمان طولانی جایز نیست و جواب تجهیز مردگان به تغییر نیز مورد تأکید نمی‌رود، این مفت واجب است، می‌تواند تازه و نازح خوانند و تدقیق از سلسله‌های فقه اسلامی. این حرف در مورد طلبگی فرمانی دیگری ندارد.

شکافی در طبیعت تمدن، در مورد جنین سفوفی، مفاهم که اگر از تفسیر خلاق کامل شده باشد، آیا مسلمان و یا فنک و یا واجب است (یا خیر)؟ (ص) در پاسخ فرمودند: در صورتی که خلاق هر ایجاس ملة می‌گردد، آن‌چه که درخواست شده بر واجب است.» (111). در روایات از قول امام باقر (ع) می‌خوانیم که رسول خدا (ص) فرمود: «ای مردم مریدی را که شیب‌گاهی کسی را از دستان داده مطلب تداوم و نیازی روز منظور بمانند. و مریدی را که را در روز بکین از خوشیوان‌نماش مرده است نگفته‌ایم در انتظار نشان ببینید، برای عیان خداورد» مردگان شببت
مسلمان متفق بر تشريح باشد و تشريح غیرمسلمان ممکن نباشد در این صورت ظاهر تشريح مسلمان جایگزین است (۸). در روایت از قول امرالمومنین (ع) آمده است که آن حضرت فرموده: اگر زنی بی‌بیت و در شکم او طفیلی باشد، که حکم مرتکب و خون نقل نشدن آن می‌روید شکم دن تکفاهه می‌شود و کودک خارج می‌گردد، و نیز درباره زنی که فرزندش در شکم او میرسد و بر خطر برای مادر وجود دارد فرموده: هر صورتی که زنی کمک تکفاهه می‌روید می‌تواند دست خود را داشته رحم کرده و کودک مره را قطعه تمام نموده و خارج سازد (۱۵).

حکم به جواب شکافتن بند مره وا تقلیل اعضا جسد او در صورتی است که تنونیم سالمی ای را با یک بردن شیوه‌های دریافت ناجی دیده و گروه ای این عمل جای تیست و در صورت ضرورت و نیاز تنها که امکان دارد با استنی راهی انتخاب کرده کمترین آسیب و ضرر را داشته باشد.

۲- کالبدشکافی و تشريح برای کشف جرم یا اثبات نسب وارت

چنین‌چه مرگ کسی مشکوک باشد یا قاتل وی بین دو نفر مردده باشد مثلها هر گاه فردی به گلوله اسلحه پیکی از دو نفر تلقی برسد و اصلحه در کنار یکدی مفتول بالی بیاند و از طرق شکافتن بند و بیرون آوردن گلوله قابل مشخص گردد بدون ترددی از صورت کالبدشکافی جای است چون با کشف واقعیت اولایی می‌توان حقیقی قاتل مورث خود مرسید. بنابراین اگر رهایی موقت از دادگاه چنین درخواستی داشته باشند، رعایت حق ورثه با رعایت حق ميت تراحم یکدی که نفره حقیقی قاتل از جهتی رعایت حق می‌توانید به‌حساب می‌آید این صورت اقدام به کالبدشکافی جای است (۱۲).

۴- اگر شخصی وصیت کند که بعد از مرگش جسد او در اختیار دانشگاههای علوم پزشکی جهت تشريح فرارند چنین وصیتی جای و عمل به آن واجب است. زیرا همانطور که ذکر شد فلسفی حرم کالبدشکافی و تشريح اعضا،
مراحل حیات است و این، که حمّت از همچون حمّت زمان حیات است و همچنَان که حمّت است، به مدت زمان زندگی در دنیا بودن است. اگر کسی اقدام به شریعت حرام نماید، قطعاً مشمول اداله و جواب دیه می‌گردد. اما در صورت جواب شریعت از مباحثه، که مطرح کست معلوم شد که منابع جواب به سه‌صورت می‌باشد: یک‌یک منابع جواب وصیت می‌باشد. در این صورت حکم دیه از نسبتی به نوع وصیت می‌دارد. اگر وصیت می‌باشد، که بسیار از راه رایگان در اختیار مراکز شریعت قرار دهند دهی واجب نیست؛ اما اگر وصیت از این جهت مطلوب باشد که موضوع دیه با عدوم آن قید تنگرد، مطالب فنی این فقره باید این پرداخته گردند. در اینجا از الکلاسیک وصیت می‌باشد، که نجات از درمان و حفظ آن و حفظ از خلافت، وصیت باید یا دستور و لیفیه باشد که آن نسبتی به یکی می‌باشد. کفایت این دارد که اگر دستور و لیفیه اقدامات مجاز به‌وجود آمده در حکم وصیت دیده، در این صورت وصیت دیده به جوره وصیت می‌باشد. در سوم اینه منابع جواب شریعت اضطرار و توقف حفظ حیات انسان به آن باشد. در این حالت، اضطرار صرفاً معنی تکلیفی را برترف می‌گذارد ولی با تعلق دیه که یک حکم وضعی و عوض مالی است که در مقابل جریح و قطع عضو می‌باشد منافات ندارد. لذا پرداخته دیه در این صورت نیز واجب است.

میزان پرداخته دیه تشریح چنانکه در روابط ذکرشده و ساختن فقاً به آن اشکار گردید به هم دیده کامل است، می‌توان به نسبت قربانی که از افراد زندگی به تعیین شده باشد یک درآمده از آن مقدار می‌باشد. امام خمینی (قدس سره الشریف) نیز در مورد حمایت این ده بیان داشته‌اند: یاد این دهی را در وجوه خیز به نسبت میت عوامل و به وره نمی‌رسد و اگر رضایت دهی در این حکم فرقی نبین زن و مرد و کوچک و بزرگ نیست بلکه ظاهراً پرداخت دهی می‌تواند به‌میلیده آن جایی است.
منابع
1- مجله م. بحار الأندور. چاپ اول. بیروت: مؤسس الوفاء. 1408 ه.ق. جلد 5 ص 333. 286.
2- علم الهدی م. الانتصار. در جوامع الفقهیه. تهران: انتشارات جهان. 1386 ه.ق. ص 184.
3- طوسي م. الخلاف. چاپ اول. قم: انتشارات اسلامی. 1412 ه.ق. باب دیات مناقب 79.
4- حلبی. شرایط فهم. در جوامع الفقهیه. تهران: انتشارات جهان. 1412 ه.ق. ص 221.
5- محقق حلمی. ج. شرایط الإسلام. چاپ اول. قم: انتشارات استقلال. 1413 ه.ق. جلد 2 ص 409.
6- شهید ناتان. مسائل انفعال. چاپ دوم. قم: انتشارات معاصر. 1420 ه.ق. جلد 12 ص 342 باب 4-  
7- نجفی م. جواهرالکلام. چاپ عبری. بیروت: دار احياء التراث العربي. 1407 ه.ق. جلد 23 ص 384.
8- امام خمینی سر. تحریرالوسیله. چاپ دوم. قم: مؤسسه مطبوعاتی مهر. 1347 ه.ق. جلد 2 ص 425.